

التحليل الموسيقي لآي القرآن الكريم (الجزء الثلاثون أمودجا)

* سيد حسين سيدى

** زهرا عبدى

جامعة فردوسى مشهد

جامعة فردوسى مشهد

خلاصة المقال

يعتبر كتاب أبو عبيدة «مجاز القرآن» من أولى الآثار التي كتبت في البحث والدفاع عن أسلوب القرآن وأدبه وبلى ذلك كتابا معاني القرآن وتأويل مشكل القرآن للفراء وابن قتيبة على التوالي وذلك في القرن الأول وبدايات القرن الرابع الهجريين، وقد لفت كل من هذه الكتب الثلاثة أنظار القراء إلى ما في القرآن من نظم و موسيقى و كنيات و استعارات وما إلى ذلك ... و كان البناء اللغوي الجميل للقرآن بخصائصه منذ القرن الثاني على أقل تقدير يوصف بتعابير مختلفة منها النظم. و في القرون التالية ظهرت آراء و نظريات أكثر رجحانا و جدة حول استخدام السجع في القرآن و الفواصل القرآنية و أثر استخدام الكنيات و الاستعارات و غير ذلك، كان من ضمن أصحابها أفراد كعبد القاهر الجرجاني في القرنين الخامس و السادس الهجريين. و في العصر الحاضر أبدى كل من سيد قطب و زغلول و محمد عبده و الطالقاني و بازرجان و غيرهم نظريات حديثة في مجال التحديد و التمثيل عن طريق التخيل و التجسيد أشار كل منها بنحو إلى العلاقة الوثيقة القائمة بين الأصوات و المعاني الخاصة بالكلمات و العبارات. و تشمل هذه المقالة على الأجمع بين هذه النظريات و الآراء، و على النحو الأعم الموسيقي الظاهرة و الباطنة الناجمة عن الربط بين الصوت و المعنى.

المصطلحات الرئيسية: الموسيقي، القرآن، الجزء الثلاثون.

تحليل موسيقي آيات قرآن (جزء بنى به عنوان نمونه)

سيد حسين سيدى

دانشيار گروه زبان و ادبيات عرب، دانشگاه فردوسى مشهد

زهرا عبدى

دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه فردوسى مشهد

چکیده

از نخستین آثارى که در بحث و دفاع از اسلوب قرآن و سبک ادبى آن نگاشته شده است، کتاب مجاز القرآن ابو عبیده و معانی القرآن فراء و تأویل مشکل القرآن ابن قتیبه در سده اول و اوایل سده چهارم است که هر یک به گونه‌ای توجه خواننده را به نظم و موسیقی و یا کنایات و استعارات و ... معطوف ساخته‌اند. دست کم از قرن دوم و بزرگی‌های ساختار زبان قرآنی، با تعبیر گوناگون و از جمله تحت عنوان نظم، توصیف می‌شده است. در سده‌های بعد دیدگاه‌ها و نظریات زبتر و تازه‌تری درباره سجع و فواصل قرآن و تأثیر استفاده از کنایات و استعارات و ... مطرح شد اشخاصی مانند عبدالقاهر جرجانی در سده پنجم و ششم از جمله این افراد بودند. در دوره معاصر، سيد قطب، زغلول، محمد عبده، الطالقانی و بازرجان و ... نیز نظریات جدیدی در زمینه تشخیص و نمایش از طریق خیال، برانگیختن و تجسم دادن، ارائه داده‌اند و هر یک به گونه‌ای، به ارتباط تنگاتنگ آنها با معانی کلمات و عبارات اشاره کرده‌اند. این مقاله تلفیق این نظریات و دیدگاه‌ها و به طوری کلی موسیقی ظاهری و درونی ناشی از ارتباط آوا و معنا را دربردارد.

کلیدواژه‌ها: موسیقی، قرآن، جزء بنی ام.

قرآن با این‌که کتابی است که با ایجاز بیان کوه‌ها را به حرکت وا می‌دارد و زمین را می‌شکافد، یکی از خصایض با ارزش آن آهنگ دلنشین آن است. ویژگی بارز دیگر این کتاب آسمانی، تصاویر هنرمندانه‌ای است که نوازش‌گر چشم و خیال یا باعث دهشت و بیم می‌شود.

دینداری با احساس و عواطف آدمی مربوط و با نوا و آوا ممزوج است. ادعیه مذهبی آهنگین است در مورد قرآن نیز، قرائت و آهنگ و الحان مورد رغبت و توجه قرار دارد. در خود قرآن، تلاوت به ترتیل، مورد تأکید قرار گرفته است.^۱ مقصود از ترتیل حفظ وقف‌ها و ادای صحیح حروف و خواندن قرآن به صورت شمرده، با درنگ و تأنی سنگین و آهنگین و با نوای زیبا و مد صوت است به گونه‌ای که دل را در اندیشه برد (فراستخواه ۱۳۷۶: ۱۲۲).

انتخاب واژه‌های دقیق و سنجیده قرآن و نظم واژگانی، سلاست و روانی آن‌ها و تطابق آن‌ها با معنایی که باید از آن برداشت شود، نیز رونق و بلاغت ژرفی به سخن داده است. الفاظ و کلمات قرآن و اجزای جمله‌هایش چنان نظم حیرت‌انگیزی دارد که محال است بتوان تغییری در آن‌ها ایجاد کرد به طوری که همچنان زیبایی لفظ و کمال معنایی آن‌ها محفوظ بماند. اگر کلمه‌ای را تبدیل به کلمه مرادف آن نماییم، یا حرفی را از جای خود برداریم، یا فصل و وصل و وقف و حرکت و اوج و تحضیض و ایقاع کلمات رعایت نشود، در نظم و هماهنگی و رسانیدن معنی و مقصود اختلاف پیش می‌آید. از این جهت ترجمه قرآن هرچند رسا و شیوا باشد در آوردن لغات خاص و نظم و ترکیب و آهنگ شباهتی به قرآن ندارد و خواننده نباید تصور کند مقصود قرآن چنان‌که هست، در ترجمه رسانیده شده است (طالقانی ۱۳۵۶: ۳).

الفاظ و حروف قرآن به گونه‌ای است که نمی‌توان هیچ یک از آن‌ها را برداشت و به دلیلی جایگزین کرد، به طوری که در معانی تغییری به وجود نیاید، بلکه هر صدا و حرکت و کشیدگی آوایی در قرآن چنین اعجاز بیانی را دارا نیست (بنت‌الشاطی ۱۳۹۱: ۲۶۵) و موسیقی و تأثیر کلام تنها در عبارات منسجم و هماهنگ مخفی شده است.

۱ - «... و رتل القرآن ترتیلاً» (مزمّل: ۴).

در سراسر قرآن یک کلمه سست که بتوان آن را به کلمه دیگر مبدل کرد، به طوری که کلام از قوت خویش نیفتد، یافت نمی‌شود. همین ترکیب کلمات، بدون توجه به معانی، اعجاز دیگری است. کلمات قرآن چنان به هم پیوسته‌اند که استماع آن از لحاظ هم آهنگی و روانی، گویی نغمه فرشتگان است. وجد و طرب معنوی‌ای که برای شنوندگان قرآن از آن حاصل می‌شود، نتیجه همین ترکیب عجیب و حیرت‌انگیز است. (بیگلری، بی.تا: ۹۶).

علاوه بر کلمات و عبارات متناسب، شیوه بیان قرآن در رساندن بار معنایی در نیکوترین ساختار زبان اعم از ایجاز و استعاره و تجانس و رعایت آهنگ و موسیقی فواصل، در آخر آیات، خاصیت شگفت‌انگیز زیباشناختی دارد و تأثیر روحی آن و نفوذ ایمان را تا اعماق قلب‌ها تشدید می‌کند، گاهی نشاط و ابتهاج می‌آفریند و گاهی بینم و ترس می‌افکند.

میان ذهن و زبان یک رابطه ارگانیک لفظی و معنایی هست و متغیرهای ظریف زبانی نمودی از متغیرهای ظریف معنایی به‌شمار می‌آیند و بالعکس (فراستخواه ۱۳۷۶: ۷۶). جدا انگاری ذهن با زبان و معنی با الفاظ مردود است، کمترین دگرگونی در معانی، خود را به گونه‌ای با تبدیل در واژگان و ترکیب زبانی آشکار می‌سازد و متقابلاً هر تغییر اندک در الفاظ، علامت تبدیلی است که در معانی رخ می‌دهد.

قرآن الفاظ و کلمات را از حیث دلالت کامل بر معنی مقصود و تناسب آهنگ و خشونت یا نرمی جرویف و هماهنگی با سایر الفاظ قبل و بعد جمله و سایر خصوصیات به طوری انتخاب و گلچین می‌کند که اگر لفظی را برداریم، نمی‌توانیم به جای آن لفظی دیگر را قرار دهیم که همان مزایا را داشته باشد.

در کلام قرآن نواختن نوا و موسیقی ناشی از الفاظ و سپس به نظم در آوردن آن در نظم و نسقی خاص در فصاحت و زیبایی و رسایی کلام به بالاترین درجات رسیده است (قطب ۱۳۵۹: ۱۲۷).

طول آیات و فواصل آهنگینی که به‌خصوص در پایان آیات بیان شده همه در بیان معنایی که مقصود و منظور است، یعنی تحت تأثیر قرار دادن روح و جان و هدایت انسان بسیار مؤثر بوده و نقش به‌سزایی برعهده دارد.

قرآن موضوع‌ها و اهداف متعددی را در نظام و چهارچوبی هم آهنگ آورده امور مختلف مربوط به زمان‌ها و مکان‌های گوناگون را با شأن نزول و موضوع‌هایی متعدد بی‌هیچ اضطرابی در خود جمع کرده است و به نحوی که پس از تأمل درباره موضوع‌های متعدد، می‌توان گفت که همه آن‌ها یک موضوع بیشتر نیست (پروینی ۱۳۷۹: ۱۲۵).

قرآن کریم با عبارات کوتاه معانی بلندی در بردارد که در اعماق دل آدمی نفوذ می‌کند و روح را سرشار از اعجاب و حیرت می‌سازد و افکار و عقول را در برابر خود به تعظیم وامی‌دارد و با تکرار مطالعه آن، معانی و مفاهیم تازه‌ای در هر بار برای خواننده حاصل می‌شود و زیبایی الفاظ و جمله‌های دل‌انگیزش در قالب معانی پر مغز، گواهی می‌دهد که از مبذئی مافوق افکار انسانی سرچشمه گرفته است، ولی در کلام دانشمندان بشر تا این پایه کیفیت رسایی الفاظ و تمامی معانی و تناسب بین اجزاء کلام و مفاهیم آن وجود ندارد (بیگلری، بی.تا: ۹۵ - ۹۶).

آواشناسی زبان قرآن، انسجام و روانی آن و سنفونی‌های زیبایش تکواژها^۳، هجاها^۴، واج‌ها^۵ در قرآن؛ صرف‌نظر از معانی، به‌ترتیب و آمیزه‌هایی آمده و واژگانی را ساخته، صداهای کوتاه و بلند آن، سکون و مد آن، و آواهای یک‌یک حروف‌هایش، نوا و موسیقی و الحانی را برای مؤمنان تداعی می‌کند. معانی ظریف و دقیق با انتخاب الفاظ مناسب به ذهن‌ها خطور می‌کند. تأثیربخشی کلام قرآن نیز به خاطر همین جنبه اعجاز‌یابی آن است.

بعضی از این تکواژها مهم‌وسه‌اند و جوهر صورت از آن‌ها بر نمی‌آید (مثل ح)، و پاره‌ای مهجوره‌اند که صدا به تندی و درشتی بر می‌آید (مانند ج)، و برخی شدید‌اند که

2 - Sanfoni

۳ - تکواژه: کوچکترین واحد زبانی است که از ترکیب واج‌ها به‌دست می‌آید و دارای نقش دستوری و معنایی مستقل می‌باشد.

۴ - هجا: کوچکترین مجموعه واجی است که از ترکیب یک یا چند واج حاصل می‌شود و می‌توان آن را در یک دم زدن بی‌فاصله و قطع ادا کرد.

۵ - واج: کوچکترین واحد صوتی ملفوظ و گفتاری زبان است.

با شدت ادا می‌شوند (مثل د)، برخی با سستی و کندی (مثل ذ)، و پاره‌ای بین آن دو (مانند ر) در برخی صدا به بلندی می‌گراید (مثل ص)، و در برخی فرود می‌آید و با ترقیق تلفظ می‌شود (مانند س)، پاره‌ای مطبئه‌اند و با گرفتگی صدا همراهند (مانند ط)، در برخی زبان باز می‌شود و صدا به آزادی بیرون می‌آید (مانند ت)، بعضی مذلقه‌اند که از کناره‌های لب و زبان به سبکی و خفت ادا می‌شوند (مثل ل)، و پاره‌ای مصمته‌اند که نوعی سنگینی در مخرج حرف به هم می‌رسد (مثل ب)، تلفظ برخی با قلقله و اضطراب است مثل (غ)، برخی با صفیر (مثل ص)، پاره‌ای با پاشیدگی زبان (مثل ش)، برخی با لرزش و ارتعاش (ر)، برخی با نیرو و بلندی‌اند و تیز ادا می‌شوند (همزه)، برخی با خروبه و خراش (خ)، برخی با گرفتگی در گلو (مثل ح) پاره‌ای با لین و نرمی (ی)، برخی با نفخ و دمش (ف) (معرفت ۱۴۱۴: ۲۳۳ - ۲۳۵؛ فراستخواه ۱۳۷۶: ۱۲۷ - ۱۲۸؛ قطب ۱۳۵۹ ب: ۲۰۵).

حروف یکایک کلمات و جملات قرآن با سازواری، هم آوازی می‌کنند و هیچ از هم نمی‌رند و ذره‌ای تنافر در میانشان نیست. برای اهل سمع و دل، نرمش واج‌ها و هجاها در ترکیبات قرآنی و حسن تلفیق و آمیزه‌های مناسب آن‌ها سنفونی‌های گوش‌نواز پرشکوهی می‌سازد و در ساخت زیبایی‌شناسی شنیداری که نشاط‌انگیزترین حس‌هاست، غوغا برپا می‌کند. برای مثال در عبارت قرآنی «لا اله الا الله» (صافات: ۳۵) آوای دلکش از خاستگاه «لا» اوج می‌گیرد و با توالی حرف «ل» و تموج هجایی جذابی، طنین می‌افکند و در پایان با «الله» استقرار می‌یابد (فراستخواه ۱۳۷۶: ۱۳۱) ضمناً توالی این نفی و اثبات‌ها، تناوب امواج دریا را در ذهن القاء می‌کند. نمونه دیگر سنفونی پرشور «ز»، «ظ» و «ذ» است، در آیه‌هایی نظیر «و ذالنون اذ ذهب مغاضبا و ظن ان لن نقدر علیه» (قطب ۱۳۵۹ الف: ۲۰۶).

عبارت‌های قرآن سلیس و در اوج فصاحت و بلاغت است و از گره‌خوردگی و پیچیدگی و تعقید خالی است؛ به گونه‌ای که حروف و الفاظ از هم وانمی‌گرایند. نرم و آسان ادا و مثل آب روان می‌شوند.

قرآن واژه‌ای «أجر» را که از نظر ساختار لفظی و نظام گویشی، چندان فصیح نیست به‌کار نبرده و تعبیر دیگری آورده است: «فاوقد لی یا هامان علی الطین» (قصص: ۳۸).

و لفظ «لب» چون در حالت جمع یا مضاف یا مضاف‌الیه زیباتر می‌نماید، این نکته در قرآن رعایت شده است. مثل «و تذکر اولوالالباب» (ص ۲۹) در تمام قرآن نرمی و آسانی و همایش الفاظ و انسجام آوایی باعث شگفتی است. نفخه و آهنگ زیبا و دلپذیر و جلوه‌های آوایی قرآن، رمزی از زیبایی‌های هنری قرآن است و به همین سبب است که قرائت مداوم آن هرگز ملال‌آور و خسته کننده نیست. الفاظ زیبا و دلنشین و عبارات‌های سلیس و روانش مانند آب جاری در بستر رود، در سراسر قرآن شفاف و زلال در جریان است. (معرفت ۱۴۱۴: ۱۱).

معادله آوایی^۶ و معنایی (فونوسمانتیک)^۷ در زبان قرآن

زبان، ظریف و دقیق و سرشار از نکته‌هاست. هرچه زبان ساخته و پرداخته و هنرمندانه ادا شود، طیف گسترده‌ای از معانی ریز و دقیق را به ذهن القاء می‌کند که این مرتبه ژرفایی زبان را کوانتم^۸ زبان می‌نامند (فراستخواه ۱۳۶۷: ۱۹۶).

موسیقی ظاهری قرآن با موسیقی باطنی آن بسیار متفاوت است. موسیقی ظاهری قرآن با الفاظ هم‌قافیه و مسجع و قطعات هم‌وزن و بحرهای یکسان، تنها شامل قالب و پوشش لفظ می‌شود که گوش را می‌نوازد و قلب‌ها را اسیر خویش می‌گرداند. ولی باید توجه داشت و رای این موسیقی ظاهری، مروارید معنا و مفهومی است که در صدف لفظ آرمیده است و در موسیقی باطنی قرآن، بزرگی و ابهت بیان که از اعماق کلام برمی‌خیزد، دیده می‌شود (معرفت ۱۴۱۴: ۱۶۸ - ۱۶۹). این الفاظ زیبا و معانی بلند نغمه‌ای را می‌سرایند که احساسات را تحریک می‌کند و به اعماق جان‌ها نفوذ می‌کند. ممکن است بی‌تی سرشار از موسیقی باشد، ولی مخلوق هنرنمایی شاعر و قافیه و وزن هماهنگ باشد. اما برخی از آیه‌های قرآن با این‌که از قافیه و وزن رها است، موسیقی دلنشین آن به این گونه است که گویا از هر حرفی از آن آوایی بلند می‌شود (معرفت ۱۴۱۴: ۱۶۹).

۶ - صوتی است که در اثر برخورد هوای بازدم با بعضی از قسمت‌های حنجره، دهان، زبان و لب‌ها که اصطلاحاً اندام‌های گویایی نامیده می‌شوند به وجود می‌آید.

قرآن در کنار این جزس و موسیقی دارای نوعی موسیقی باطنی است که همان ابهت و جلال الهی است و آنجا که صحنه‌ای هولناک را با عبارات خاص و با کلمات هولناک مجسم می‌کند، این هنرنمایی مشهود است.

تعبیرات گوناگون و معانی تفضیلی که در افاده معنی و مقصود با دقایق و لطایف فنی به‌کار برده می‌شود، در حقیقت صدای حس است و اهمیت کلام به واسطه این صورت می‌باشد و هر اندازه که این جنبه در کلام رعایت گردد، بر بلاغت آن افزوده می‌شود و آن به منزله روح کلام است و اساس اعجاز، مبتنی بر این روح است و درجه کامل آن مختص به قرآن است (رافعی ۱۳۳۹: ۱۵۵ - ۱۵۶).

زیبایی و نظم و آهنگ لفظی قرآن بی‌ارتباط با معانی نیست، بلکه متغیرهای فونتیکی^۹، هجایی و آوایی با متغیرهای سمانتیک^{۱۰} و معنایی همراه است. برداشت اهل زبان از عالم خارج و جهان بیرون به وسیله قالب‌های زبانی صورت می‌گیرد (باقری ۱۳۷۸: ۱۸۳) حرکت و سکون، فواصل و یک‌یک، امور مربوط به تجوید و تقارن‌ها و اوضاع هارمونیک^{۱۱} آیات و آوا و نوا و موسیقی آن‌ها، متناسب با سیاق معنی و مضامین سخن و اوضاع و مقتضیات مربوط به سخن دگرگون می‌شوند و به این ترتیب رابطه دقیق حاکم است. همین که صورت تغییر کرد، معنا نیز تغییر پیدا می‌کند. معنا تابعی از متغیر صورت است. نه از لفظ باید جداگانه سخن گفت و نه از معنا (قطب ۱۳۵۹ الف: ۱۸۰). از حیث زبان‌شناسی به نظر می‌رسد قرآن واژه‌شناسی خاص خود را به همراه آورده و آن را به نحوی فی البداهه و اصیل خلق کرده است، به گونه‌ای که ظهور قرآن از نظر ادبی و علم لغت‌شناسی حد فاصل دقیق مشخصی بین زبان جاهلیت و زبان عرب اسلامی ایجاد کرده است (ابن نبی ۱۹۶۱: ۱۷۲).

بعضی جایگاه‌ها مثل وصف جنگ و تهدید و... اقتضای الفاظ سنگین، و برخی چون وصف اشتیاقات و غیز آن اقتضای الفاظ نازک و رقیق دارد. آیات ۶۸ به بعد سوره زمر در مقایسه با آیه ۱۸۶ سوره بقره، سنگین و چون پاره‌های آهن است. ولی کلمات آیه ۱۸۶ بقره بسیار نرم و نازک است. در آیه «و الصبح اذا تنفس» (تکویر: ۱۸) سپیده‌دمان

در آوای این آیه دارد نفس می‌کشد و می‌شکند (قطب ۱۳۵۹ الف: ۸۳). صدای «س» که مدام در آیات این سوره تکرار می‌شود با موسیقی لطیف و طنین اندازش لطافت و آرامشی را به انسان می‌بخشد.

در سوره ناس؛ حرکات و سکانات متنوع، صدای برخورد نون مشدد و طنین «سین» که در فصول این آیات آمده، جوی از برخورد و معرکه‌ای را می‌نمایاند که میان نیروهای خیر و شر، در میدان نفس انسانی در گرفته است (طالقانی، ۱۳۵۶: ۳۱۹).

در آیه «یا ایها الذین امنوا ما لکم اذا قیل لکم انفروا فی سبیل الله اناقلتم الی الارض» (برائت: ۳۸) عبارت «اناقلتم الی الارض» سنگینی و پابندی آنان را که از جهاد سرباز می‌زنند با یک‌یک حروف و مخارج آن و ادغام و تشدیدش، فریاد می‌زند (قطب ۱۳۵۹ الف: ۹۹).

و در آیه «واللیل اذا عسعس» (تکویر: ۱۷-۱۸) نیازی به مراجعه به کتب لغت نیست، آوای کلمات معنای آن را به صورت محسوس و مجسم در تخیل ترسیم می‌کند و شب و هرچه در آن است با این چهار حرف به تصویر کشیده شده است. (معرفت، ۱۴۱۴: ۱۷۴).

و در آیه «کلا سیعلمون ثم کلا سیعلمون» (نبا: ۴-۵) آژیر و آوای معنی‌دار و هشدار دهنده‌ای می‌کشد؛ به خصوص با بلندی و تفخیم «س» در فعل مضارع و ضمیر آن به همراهی «ث» در «ثم» (طالقانی ۱۳۵۶: ۷۴). علاوه بر آن در این آیه تکرار الفاظ مشاهده می‌شود که قصد از این تکرار تأکید لفظی است تا معانی در اذهان رسوخ کرده باعث تقویت ایمان شود. بنابراین، تکرار لفظی همان تکرار معنوی است (بیگلری، بی تا: ۱۰۷-۱۰۸). این تکرار شک و تردید را از میان می‌برد و تأثیر و اقتناع و اقرار را به همراه دارد (بنت‌الشاطی ۱۹۶۸: ۷۱). باید توجه داشت که تکرار حروف و آوردن حروف مشدد هم همین قصد و هدف را دنبال می‌کند و باعث جلب توجه خواننده و تعمق بیشتری در مطلب می‌شود.

در آیه‌های سوره الحاقه و تمام سوره‌هایی که به «هـ» سکت ختم می‌شود، به‌خاطر موسیقی خاص این حرف احساس نگرانی و تشویش به انسان دست می‌دهد و در کل سوره تهویل روز رستاخیز را به تصویر می‌کشد (الصالح ۱۹۶۵: ۳۳۵).

هماهنگی آیات و پایان‌بندها (لحن موزون و فواصل^{۱۲} قرآن)

در قرآن چیزی شبیه قافیه‌ها و پساوندهای شعر یا قرینه‌های نثر متقارن و مسجع وجود دارد، در حالی که تکلف‌های وزنی و قافیه‌ای شعر عروضی در قرآن نیست.

عرب از آغاز کار تحت تأثیر ترنم موسیقایی و لحن آهنگین قرآن قرار گرفت و احياناً برایش عنوان‌هایی همچون شعر داد و با آواهای سحرآمیز کاهنان مقایسه‌اش کرد. عرب بعد از پذیرش اسلام نیز به قرائت و تجوید نغمه ملکوتی کتاب آسمانی دل بست و آنگاه بود که در زبان متوازن قرآن به مطالعه و بزرسی پرداخت.

البته این به آن معنی نیست که قرآن شعر است و هرگز چنین قصدی مطرح نیست. اما می‌توان گفت که قرآن امتیازاتی را داراست که این امتیازات و مزایای آن را حد واسط بین شعر و نثر قرار می‌دهد (طباره ۱۳۶۱: ۲۳۹). سحر قرآن نیز به سیاق قرآن که متنی بین نظم و نثر است برمی‌گردد. تمام عبارات از قید قافیه یکسان و تفعیلات رها است و آزادی همه جانبه‌ای در بیان مطلب دارد که آن را از قید وزن مخصوص بی‌نیاز می‌کند (الصالح ۱۹۶۵: ۳۳۴).

مقام و موقعیت شعر در استوار کردن وزن، انتخاب لفظ و در پر آب و تاب کردن آن و زیبا بودن سبک‌گوینده آن است. ولی در قرآن لفظ و معنا با هم سازگاری دارند و الفاظ آهنگین به همان اندازه از حیث معنا نیز تأثیر بخش‌ترند (جرجانی ۱۳۶۸: ۳۱۳).

بنت‌الشاطی، از نویسندگان معاصر، در کتاب اعجاز بیانی قرآن، بخشی را به بررسی فواصل قرآن اختصاص داده و تأکید می‌کند که اولاً در آن‌ها آنچه نقش اول را دارد، معناست و نه لفظ. یعنی فواصل قرآن صرفاً یک هماهنگی لفظی نیستند و بیشتر، نظم معنایی خاصی را نیز در لابه‌لای بندها و آهنگ‌ها بر می‌تابند و ثانیاً این فواصل سهل و آزاد و بی‌تکلفند (بنت‌الشاطی ۱۳۹۱: ۲۳۹).

۱۲ - همان مسجع موجود در قرآن است و برای این‌که به سجع کاهنان و شعر شبیه نشود به آن فاصله می‌گویند و مراد از آن کلمات مشابه پایانی هر آیه است (خرمشاهی ۱۳۷۲: ۸). ولی در آیات پیوسته اوزان و فواصل تابع و قالب معانی و مقاصد و نمایاننده آن‌ها می‌باشند و هیچ‌گونه تکلف شاعرانه، یا نثر مسجع و سستی در آن‌ها نیست (طالقانی

به نظر وی، فواصل قرآن نه صرفاً امری لفظی، بلکه هماهنگ با سیاق و دلالت معنایی سخن می‌باشند و متناسب با معانی دگرگون می‌شوند (بنت‌الشاطی ۱۳۹۱: ۲۵۸). تغییر جوی و تغییر مطلب، موسیقی سخن را نیز متغیر می‌سازد و در هر حال نوعی ایقاع یا موسیقی درونی در همه جا ملحوظ است و اگر یک کلمه را جابه‌جا کنیم یا واژه دیگری به جای آن بگذاریم، آن آهنگ روح‌پرور قرآنی از بین می‌رود. پس ایقاع تابع محتوا است نه بالعکس (قطب ۱۳۵۹: ۱۰۶) در نظام قرآنی برنامه و نقشه‌ای در کار است و هیچ چیز زاید و بی‌فایده نیست، در نظام قرآنی هر کلمه و جمله و حرف نقش ویژه خود را ایفا می‌کند به طوری که در قرآن یک کلمه یا حرف زاید وجود ندارد (حسنی ۱۳۶۰: ۲۴).

در طریقه نوشتار زیر تغییر موضوع نمایان تر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

هل اتیک حدیث الغاشیه

وجوه یومئذ خاشعه

عامله ناصبه

تصلی نارا حامیه

تسقی من عین انیه

لیس لهم طعام الا من ریع

لا یسمن و لا یغنی من جوع

وجوه یومئذ ناعمه

فی جنه عالیه

در سوره عادیات موسیقی شدید و کوبنده‌ای درک می‌شود که دارای خشونت و دمدمه‌ای است که این موسیقی با آن جو پرغبار هماهنگ و هم‌آوا است. این جو، جو انکار و فشار است، جو شدت اثر و شدت طوفان است (قطب ۱۳۵۹ ب: ۱۵۶ - ۱۵۷).

سوره کافرون با دو ایقاع امر قاطع و ندامی ممتد، هماهنگ با معنا، قاطع و رسا می‌باشد و فواصل دامنه‌دار و نون این آیه و آیه دوم استمرار در کفر و عبادت را می‌نماید. تغییر حرکات و کلمات فصول آیات بعد، هماهنگ با تغییرات و تأکیدات در

باره یک مطلب قاطع و منفی است که به صورت‌های مختلف مبین شده، تا به آخرین مقطع «یاء» و «نون» سوره پایان یافته است (طالقانی ۱۳۵۶: ۲۸۶).

در سوره نازعات دو اسلوب متقابل و دو نوع نواخت موسیقی هست. در قطعه اول، یعنی آیه ۱ تا ۱۴، پرشتاب و پرحرکت و با یک جو پرجوش و خروش انسجام می‌یابد و در قطعه دوم، یعنی آیه ۱۴ به بعد با یک جو داستانی با طول متوسط و زیبا هماهنگ می‌شود (قطب ۱۳۵۹ ب: ۱۵۷).

اوزان و کلمات خاص سوره کوثر، اعطیناک، الکوثر، انحر، شانی، الابر است. معانی عالی و پیشگویی قاطعی را که در سه آیه کوتاه این سوره آمده و در آهنگ حروف نمودار شده نه می‌توان چنان‌که هست دریافت و نه وصف نمود و خود سرچشمه کوثر و نشانه کلام برتر و به عجز آوردن بشر است (طالقانی ۱۳۵۶: ۲۸۱). آیات سوره تکاثر در تنوع طول و شدت و فصول، کوتاهی و دوام و پیچیدگی و وضوح و شدت و سبکی مطالب آن را تمثیل می‌نماید. در آیه اول با تحرک و تموج شدید و فصول و وزن‌های تفاعل و مفاعل و آهنگ برخورد حروف آخر «ث - ر - ب» هم انگیزه‌اند و هم ادامه در غفلت و امور را می‌نمایاند و هم کوتاهی آن را که ناگهان سر از گور در می‌آورند. سپس آیات با تموجات شدید و خفیف دامنه‌دار «یفعلون» گسترده می‌شود به تا آیه پنج می‌رسد. آیه شش که عبرت‌انگیز است، کوتاه آمده و با حرف «میم» که هنگام تلفظ آن دو لب است، بسته می‌شود و سپس آیات گسترده شده، تا به منتهای نسبی و با مخرج «میم» سوره به پایان می‌رسد (طالقانی ۱۳۵۶: ۲۴۴).

سوره قدر، آهنگ و بلاغت صوتی خاص به خود را داراست و طول آیاتش جز آیه چهارم که بیان و تفصیل لیل‌القدر می‌باشد، یکسان است. ترکیب و کلمات و حروف و آهنگ مخرج، حرکات و شدت و خفت و کوتاهی و بلندی آن‌ها و فواصل آیات که بر وزن فعل آمده جوی از حرکات قرآن از مبدأ و نزول در لیل‌القدر و تکریم آن و تحرک و تنزل فرشتگان و روح و نهایت امر را بنمایاند (طالقانی ۱۳۵۶: ۲۰۴).

فواصل گاهی متوازی‌اند؛ یعنی هم وزن آن‌ها و هم آخرین حرف اصلی (حروف روی) آن‌ها عین هم هستند، مثل «فیها سرر مرفوعه و اکواب موضوعه» (حرف ع و وزن مفعوله) گاهی به صورت مطرف هستند، یعنی فقط حرف روی مشترک دارند. نظیر

«ما لكم لاترجون الله و قارا و قد خلقكم اطوارا» (حرف: ر) گاهی به صورت متوازن هستند یعنی تنها وزن آن‌ها مشترک است. مانند: «و نمارق مصفوفه و زرابی ميثونه» (غاشیه: ۱۵ - ۱۶) (وزن مفعوله) فاصله ممکن است به جای حروف متماثل و متجانس، از حروف متقارب تشکیل شود. مثل «م» و «ن» در سوره فاتحه: بسم الله الرحمن الرحيم؛ الحمد لله رب العالمين؛ الرحمن الرحيم؛... قرآن در آیاتی که می‌خواهد از آن‌ها نتیجه‌ای اخلاقی و ایمانی بگیرد، یا سرمشقی عالی ارائه دهد با انتخاب پایان بندهای طولانی و موسیقی متناسب با صحنه به این امر مبادرت می‌ورزد (قطب ۱۳۵۹: ۱۳۲).

تناسب و تقارن نیز یکی از بایستگی‌های زیبایی است در بیان قرآن. افزون بر فواصل، گاهی بدیعی دیگر نیز احساس شده که بر شکوه تقارن و برش‌های زیبا، در بافت زبانی آن جلوه بیشتری بخشیده است. یعنی در جناس و همگونی‌های میان کلمات نزدیک به هم، گاهی در ریشه و ساختار کلمات نزدیک به هم و گاهی در سایر هم‌شکلی‌ها و سازگاری‌ها و برش‌های زیبا که توجه اهل ایمان را به خود جلب می‌کند و مجموع این خصوصیت‌های تقطیعی و وزنی و بافت هماهنگ در ساختار زبان قرآنی است که حس شنیداری و حتی بینایی خواننده اهل ذوق را به خود جلب می‌کند. نظم خاص قرآن و ویژگی‌هایی که در سیاق قرآن است، معاندان را مقهور ساخته بود (فراستخواه ۱۳۷۶: ۱۵۵ - ۱۵۶). مطالب بدیعی که در آغاز و پایان آیات و نیز به‌کار بردن هر لفظ در محل و موقعیت خود، طرز تنبیه و اعلام سبک تشویق و تهدید به همراه مطلب با دلیل و برهان، موجب حیرت و اعتراف مخالفان به ناتوانی خود بود و عالی‌ترین مرز فصاحت و بلاغت را معرفی می‌کرد و اعجاز را تا حد نهایی نشان می‌داد (جرجانی ۱۳۶۸: ۷۴ - ۷۹). چند نمونه از آن برای مثال ذکر می‌شود (فراستخواه ۱۳۷۶: ۱۵۵ - ۱۵۶).

جناس تام، مانند: «و یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه» (روم: ۵۵)

جناس زاید، مانند: «علی شفا جرف هار فانهار» (براءه: ۱۰۹)

اشتقاق، مانند: «فشاربون شرب الهمیم» (واقعه: ۵۵)

مشاکله: مانند: «الیوم نساکم کما نسیتم» (جاثیه: ۳۴)

طباقي: مانند «فسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون» (روم: ١٧) قرآن در بیشتر موارد بر آن بوده تا با بیان داستان واقعی از گذشتگان و اقوام گذشته، چشم غفلت زده مردم را به سمت خورشید هدایت متوجه سازد. علاوه بر سیاق خاص داستان که تأثیر عمیق و باور نگرانی بر قلب‌های سرد و تیره دارد، قرآن با تجسم و استفاده عبارات خاص و تجسم وقایع در اذهان، پذیرش حقیقت را برای طالبان معرفت آسان‌تر کرده است. شخصیت بخشی^{۱۳} در قرآن نیز از جمله اصولی است که تأثیر والایی بر جان‌ها و دل‌ها داشته است.

ارزش موسیقایی کلمات و جملات قرآن از دیرباز مورد توجه محققان بوده است. قابلیت خوش‌خوانی قرآن و ترتیل و تغنی و همخوانی آن کم‌نظیر یا بی‌نظیر است. قرآن با آن‌که این همه قصص و حکایت در بردارد، قصه هم نیست. با وجود اشارات تاریخی، تاریخ هم نیست و مهمترین مشخصه و خصیصه ساختاری قرآن که شاید قدما نیز به آن توجه داشته‌اند و اسلوب چند وجهی و بلا تشبیه گسسته‌نمای آن است. یعنی شاخه به شاخه شدن معانی و مضامین و قطع پیایی یک مضمون و مدام از معنایی به معنایی دیگر پرداختن (خرمشاهی ۱۳۷۲: ۸).

علاوه بر موسیقی خاص و آهنگ دلنشینی که بین سطور قرآن موج می‌زند، اسلوبی را که قرآن برای بیان مطالب پیش گرفته، بسیار جذاب و جالب است. تجسم و داستان‌پردازی و شخصیت بخشی ... از راه‌هایی است که قرآن برای بیان اهداف متعالی خود از آن استفاده کرده است. طیف تعبیر در قرآن و تصویرهای زنگی داستان‌ها و تابلوهایش، واقعیت‌های جاندار خارجی را با همه رخدادهایش به تمامی بر می‌تابد، گویی قهرمان تاریخ از میدان حیات به در نرفته و هنوز زندگی می‌کند (الصالح ۱۹۶۵: ۱۳۰).

در تصویر بیانی، ادیب به ساختار کلی و آفرینش طرح اثر ادبی کاری ندارد. بلکه در این نوع، خیال، بیشتر به شیوه بیان مطلب در قالب تصویرهای جزئی و آرایش‌های کلامی و خیال‌انگیزی کلام از طریق تشبیه و استعاره، کنایه و نظایر آن می‌پردازد. وزن، آهنگ و عناصر لفظی در خیال‌انگیزی مؤثر است (پروینی ۱۳۷۹: ۳۴).

قرآن برای بیان معانی ذهنی و حالات نفسانی، مثال‌ها و تصویرهایی را آورده که آن‌ها را از حالت مجرد خارج می‌کند. قدرت کلمات و نیروی القاء و سحر موسیقی به حدی است که شنونده، همه این صحنه را به مدد خیال می‌بیند.

در این قسم آیات تصاویر ابتدا روی حس و دیده و خیال اثر می‌گذارد و بعد از آن آهسته‌آهسته نفس را متأثر می‌کند و نتیجه‌گیری از تمام این پرده‌های دل‌انگیز به بهترین وجه صورت می‌گیرد. گاهی نیز جرس و موسیقی کلمه همراه با همان سابه خیال‌انگیز است. نظیر «یوم یدعون الی نار جهنم دعا» که کسی را با زور و عنف و اهانت راندن معنی می‌دهد. به ویژه «عین» ساکنه که با زنگ قوی و صوتی خود القاء اخراج به عنف می‌کند.

در سوره والضحی چهارچوب و محیط تصویر به گونه‌ای اعجاز‌آمیز با مفهوم آن مناسبت و هماهنگی دارد و آهنگ خویش نیز صحنه را جاندارتر و گویاتر می‌کند (قطب ۱۳۵۹ الف: ۱۱۹).

قرآن برای تقویت عقیده، توحید در نفوس، حس و خیال را بر می‌انگیزد و آن‌ها را به منطق دل احاله می‌دهد. روش قرآن چه در داستان و تمثیل و چه در توصیف صحنه‌ها و مناظر، روش تصویری و تخیلی است نه صرفاً ذهنی و لفظی و تجربیدی، چرا که معنا مستقیماً حس و وجدان را بر می‌انگیزد و در اعماق وجود ما رخنه می‌کند و آن‌گونه نیست که تنها ذهن و نیروی دریافت ما را مخاطب قرار می‌دهد.

آیات ۴۹ - ۵۱ سوره مدثر، با تخیل و تصویر و تجسم بخشیدن همراه با چاشنی نیشخند و در نهایت زیبایی است. تعبیر قرآنی همه جا زنده و سرشار از حیات و دلکش و نغز است. در این قسمت آیات، تصاویر پیامی ابتدا روی حس و دیده و خیال و سپس آهسته‌آهسته روی نفس اثر می‌گذارد و نتیجه‌گیری از تمام این پرده‌های دل‌انگیز به بهترین وجه صورت می‌گیرد و حق مطلب ادا می‌گردد.

نقش‌انگیزی و قدرت تصویر از ابزار ویژه تفهیم قرآنی است که در آیات آن موانع معنوی به صورت موانع حسی توصیف شده تا اثر آن آشکارتر و نافذتر باشد، اکثر وصف‌های قرآنی بر پایه حس استوار است به گونه‌ای که به موصوف تجسم داده می‌شود. قرآن از طریق داستان و شیوه‌ای قابل فهم، هدف اصلی خویش را پی می‌گیرد

و در ضمن داستان استفاده از لغات و عبارات، مأنوس با سیاق داستان نیز درک و فهم و یا قبول مطلب کمک می‌کند.

النتيجة

قرآن با تألیف عبارات و گزینش واژه‌ها و انسجام دادن به مجموع آن‌ها، به قسمی که سخن به کمال فصاحت خود برسد، و موسیقی حاصله از انتخاب کلمات و نحوه ترتیب دادن آن‌ها به طرزی خاص که در همه جای قرآن چشمگیر باشد و ارتباط اسلوب قرآنی و موسیقی کلام با مقتضای کلام و مقصود و جو خاص هر موضوع و تناسب و تسلسل معنوی میان قرآن و نحوه انتقال از غرضی به غرض دیگر به شدت در جان‌ها اثر می‌گذارد و در حقیقت نوعی دیگر از اعجاز را به ما می‌نماید که همان اعجاز بیانی است که بشر را از خلق چنین اثری عاجز کرده است؛ اعجازی که در پس آن هدایت و کمال انسانی قرار دارد.

المصادر و المراجع

قرآن کریم

ابن‌نبی، مالک. ۱۳۶۴. قرآن پدیده‌ای شگفت‌آور. ترجمه دکتر نسرین حکمی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

باقری، مهري. ۱۳۷۸. مقدمات زبان‌شناسی. تهران: نشر قطره.

بیگلری، حسن. بی.تا. سرالبيان فی علوم القرآن. چاپ هفتم. مصر: دارالمعارف انتشارات کتابخانه سنایی.

پروینی، خلیل. ۱۳۷۹. تحلیل عناصر ادبی و هنری داستان‌های قرآن. تهران: فرهنگ گستر.

الجرجانی، عبدالقاهر. ۱۳۶۸. دلایل الاعجاز. ترجمه سید محمد رادمش. مشهد: آستان قدس رضوی.

حسینی، محمدرضا و فولادوند، محمدمهدی. ۱۳۶۰. بنیاد قرآن. تهران.

- خرمشاهی، بهاء‌الدین. ۱۳۷۲. قرآن پژوهی. تهران: مرکز نشر فرهنگی مشرق.
- رافعی، محمدمصطفی. ۱۳۳۹. اعجازالقرآن. چاپ دوم. ترجمه و شرح عبدالحسنین ابن‌الدین. تهران: بنگاه مطبوعاتی عطایی.
- الصالح، صبحی. ۱۹۶۵. مباحث فی علومالقرآن. بیروت: دارالعلم للملایین.
- طالقانی، سید محمود. ۱۳۵۶. تیرتویی از قرآن. چاپ سوم. تهران: انتشار.
- طباره، عبدالفتاح. ۱۳۶۱. پایه‌های اساسی شناخت قرآن. ترجمه و تألیف محمد رسول دریایی. تهران: رسالت قلم.
- عبدالرحمن، عایشه (بنت‌الشاطی). ۱۹۶۸. الاعجاز البیانی للقرآن. چاپ سوم. مصر: دارالمعارف.
- فراستخواه، مقصود. ۱۳۷۶. زبان قرآن. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- قطب، سید. ۱۳۵۹ الف. آفرینش هنری در قرآن، ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: انتشارات بنیاد.
- _____ ۱۳۵۹ ب. التصویر الفنی. ترجمه محمدعلی عابدی. تهران: نشر انقلاب.
- معرفت، محمدهادی. ۱۴۱۴. التمهید فی علومالقرآن. جلد پنجم. قم: مؤسسه نشر اسلامی.